

عنوان مقاله:

سیاست خارجی و امنیتی اسرایی در قبال محور مقاومت

محل انتشار:

ماهنامه پژوهش ملل، دوره 3، شماره 35 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسنده:

میلاذ زبردست - پژوهشگر

خلاصه مقاله:

از آغاز شکل گیری رژیم صهیونیستی در سال 1948 همواره احساس ناامنی ناشی از همسایگان عرب مسلمان، امنیت و بقاء آن را تهدید کرده و سیاست خارجی و امنیتی این رژیم را متأثر ساخته است. با وجود کم رنگ شدن سطح منازعات اسراییل با همسایگان عرب، پیروزی انقلاب اسلامی ایران و ظهور گفتمان مقاومت، سبب شکل گیری قطب بندی جدیدی در مجموعه امنیتی خاورمیانه تحت عنوان محور مقاومت گردید که امنیت و موجودیت اسراییل را به مخاطره انداخته است. این امر بیش از هر چیز سیاست خارجی اسراییل را، بخصوص در سال های پس از 2000 و همزمان با افزایش قدرت محور مقاومت و خروجی این رژیم از بخش زیادی از اراضی اشغالی جنوب لبنان متأثر ساخته است. لذا این پژوهش بر آن است تا با بررسی سیاست خارجی اسراییل در قبال محور مقاومت و تغییر و تحولات صورت پذیرفته در دکترین امنیتی اسراییل در قبال بازگیران مجموعه امنیتی خاورمیانه بپردازد. برای بررسی این موضوع، مکتب امنیتی کپنهاگ، بعنوان چارچوب نظری این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است که بطور قابل ملاحظه ای امکان بررسی سیاست خارجی و امنیتی اسراییل در قبال محور مقاومت را ممکن ساخته است. لذا با توجه به وابستگی متقابل امنیتی منفی میان اسراییل و محور مقاومت، فرضیه این پژوهش عبارت است از اینکه: افزایش قدرت محور مقاومت در سال های پس از 2000 و کاهش ضریب امنیتی ملی اسراییل به چالش کشیده شدن مفاهیم دکترین امنیتی اسراییل سبب سیاست خارجی تهاجمی تر این رژیم در قبال محور مقاومت گردیده است.

کلمات کلیدی:

سیاست خارجی، دکترین امنیتی، اسراییل، محور مقاومت، مکتب کپنهاگ

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/949039>

